

# آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

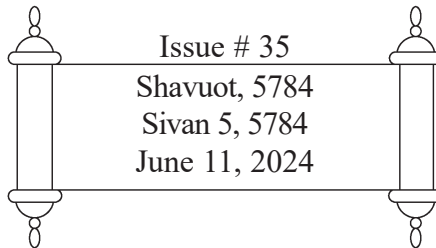
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:  
Mr. Parviz Mojdehi

\*

Reprinted with permission by:  
Chabad Persian Youth  
&  
Moshiach Awareness Center



Tuesday, June 11, Light 1st night of Shavuot Candles by 7:46 p.m.  
Wednesday, June 12, Light 2nd night of Shavuot Candles AFTER 8:50 p.m.  
Thursday, June 13, Shavuot ends at 8:50 p.m.  
(Times are for Los Angeles)

## شاووعوت (۱)

شاووعوت روزی است که ما اهدای توره در کوه سینای را به یاد می آوریم. در توره به ارتباط این روز و دادن توره به ایسرائل ها، به صورت واضح اشاره نشده است و فقط به این ترتیب از آن یاد کرده است که: «شما باید (از روز دوم پس) پنجاه روز بشمارید. آن روز را اعلام کنید و آن روز باید روز مقدسی برای شما باشد»... اگرچه ما می دانیم که توره در روز ششم سیوان داده شده است، در زمانی که تقویم، هنوز به وسیله مشاهده عینی ماه نو، تعیین می شد. پنجاهمین روز یعنی شاووعوت می توانست در پنجم، ششم و یا در هفتم سیوان واقع بشود. معهدا، در حال حاضر که تقویم دیگرمتغیر نمی باشد، شاووعوت همواره با ششم سیوان مصادف است.

در کتاب های مقدس ما به شاووعوت و اهمیت آن اشاره شده است. این مطلب که برخلاف موعدهای دیگر، در قربانی های مخصوص شاووعوت اشاره ای به کلمه «گناه» نشده است گویای این حقیقت است که شاووعوت با پذیرش توره به وسیله ایسرائل ها در ارتباط است چرا که اهداء توره به آن ها این امتیاز را داد که گناهانشان بخشوده بشود.

بنابراین مطالب این دو سخنرانی تأکیدی است بر اهمیت اهداء توره در سینای و این که اهداء توره، چگونه تغییراتی در وضعیت روحانی انسان ایجاد کرد و این واقعه که تنها یک بار در تاریخ ایجاد شد چگونه امکاناتی را در جهان به وجود آورد که قبل از آن جهان از این امکانات بی بهره بود.

اولین سخنرانی با عنوان این حقیقت آغاز می شود که ماه سیوان، ماه سوم از خروج ایسرائل ها از مصر به سوی سرزمین موعود بود. چرا توره فوراً بعد از خروج از مصر به ایسرائل ها داده نشد؟ و آیا شماره سه دارای خصوصیت و امتیاز خاصی می باشد؟ متن و موضوع اصلی آن اشاره به نوعی متفاوت از وحدت و یگانگی می کند که یک فرد یهودی در ارتباطش با خداوند می تواند به آن برسد.

## ۱ – سومین ماه

واقعه اهداء توره در سومین ماه، ماه سیوان، انجام گرفت. از آنجا که این موضوع به طور واضح، قسمتی از برنامه الهی بوده است پس بنابراین می

## Aish Tamid Shavuot, 5784

بایست ارتباط بخصوصی مابین این واقعه و زمان آن، ومابین توره و سومین ماه موجود باشد. در تلمود<sup>۱</sup> به این مطلب به صورت واضح اشاره شده است: «متبارک است آن خدای پر از رحمت که توره را که شامل سه بخش می باشد به قومی داده است که دارای سه گروه می باشد. توره ای که در روز سوم از ماه سوم به وسیله فرزند سوم به قوم ایسرائل اهداء شد. عدد «سه» دائماً در این گفته ها تکرار شده است. توره دارای سه بخش است: توره، نوئیم و کتوبیم. قوم ایسرائل به سه گروه تقسیم می شوند: کوهن، لوی و ایسرائل. مُشه، بعد از میریام و اهرن فرزند سوم بود. توره در ماه سوم، در سومین روز جدایی ایسرائل ها از همسرانشان به آنها اهداء شد. چرا عدد سه و نه عدد یک؟ توره یگانه است و هدف از آن آشکار کردن یگانگی خداوند است. عددی ست که نماینده یگانگی است و یک بودن خداوند را آشکار می کند؟!...»

موضوع را بیشتر گسترش بدهیم. اهمیت اساسی این سومین ماه در همین اهداء توره می باشد. میصوت الهی به خودی خود کلاً چیز تازه ای نبودند. این فرمان های الهی حتی قبل از اهداء توره هم وجود داشتند. از جمله هفت فرمان نوح، میصوت ختنه و میصوهای که در «مارا» به ایسرائل ها داده شد. واقعه سینای مسلماً طبیعت انجام میصوت را تغییر داد.<sup>۲</sup> انجام میصوت چیز تازه ای نبود ولی توره تازگی داشت و تفاوت مابین توره و میصوت از این قرار است<sup>۳</sup>:

«از طریق انجام میصوت، من انسان در مقابل خواسته خداوند باطل می شود. همچون «ارابه ای در برابر ارابه ران» ولی از طریق توره، من انسان با خداوند یکی می شود و این دو مطلب دو چیز متفاوت هستند. ارابه دارای هیچگونه اراده ای نیست مگر اراده ارابه ران، در این حالت ارابه و ارابه ران دارای موجودیت واحدی نیستند. پدیده تازه ای که در سینای اتفاق افتاد بسیار عظیم و متفاوت بود حالا دیگر یک فرد ایسرائل می توانست که با خداوند یکی بشود و اگر اینطور است می توان دوباره این پرسش را مطرح

۱- مسخت شبات ۸۸ - الف

۲- رجوع شود به ربام تفسیری بر میشنا، خولین، پایان فصل هفت

۳- تنیا بخش اول فصل ۲۳

## Aish Tamid Shavuot, 5784

کرد که چرا سمبل واقعه سینای و اهداء توراہ ، عدد سه می باشد و نه عدد یک؟

### ۲- دو نوع وحدت

در واقع هدف اهداء توراہ ایجاد وحدت بوده است. ولی وحدت واقعی چیست؟ زمانی که انسان وحدت را در میان کثرت درک می کند در این زمان او وحدت را در دل تفاوت ها مشاهده می کند. اگر او فقط یک نوع موجودیت را بشناسد، ما نمی دانیم، چنانچه وجود دیگری را کشف کند چگونه عکس العملی را نشان می دهد؟ آنوقت شاید او عنوان کند که دو واقعیت وجود دارد، خداوند و جهان. زمانی که او با بیش از یک موجودیت روبرو می شود و هنوز معتقد است که تنها واقعیت موجود خداوند است، او به یگانگی واقعی خداوند دست یافته است و آن را درک کرده است. داستانی تمثیلی و سنتی از این مطلب وجود دارد. اگر ما بخواهیم بدانیم که پیوند و وابستگی پادشاه و شاهزاده، پدر و فرزند، تا به چه حد است، این پیوند تا زمانی که شاهزاده در قصر پادشاه است مشخص نمی شود بلکه با دور کردن شاهزاده از پادشاه و قرار دادن او در میان مردمان عادی مشخص می شود. اگر او هنوز در میان مردمان عادی همچون یک شاهزاده رفتار کند او فرزند واقعی پدرش می باشد. همینگونه در مورد یک فرد یهودی، نه در خانه خداوند و میشکان الهی، بلکه در تنوع و گوناگونی جهان است که احساس و درک یگانگی خداوند در او به اثبات می رسد. و او این احساس یگانگی خداوند را در خود به دو طریق می تواند حفظ کند. او می تواند همه خودآگاهی اش را از همه چیز به جز خداوند سرکوب کند و یا او می تواند کاملاً آگاه از موجودیت دنیا و همه چیز آن باشد و در درون آنها خداوند را کشف کند و این دومین طریق است که عمیق تر و پرمعناتر است. کسی که خودآگاهی و احساس خودش را سرکوب می کند و چشمانش را به روی طریق های دنیا می بندد معتقد است که جهان و مسائل مربوط به آن چیزهایی جدا از خداوند و در تضاد با او هستند و باید از آنها فاصله گرفت. وحدت و یگانگی ای که او در زندگی

## Aish Tamid Shavuot, 5784

مذهبی به آن رسیده است عمیق نیست و مصون هم نیست.

### ۳ - سه مرحله

در رشد معنوی انسان به طرف درک یگانگی خداوند همانگونه که دیده می شود سه مرحله وجود دارد و آنها با سه ماه که از پسخ تا شاووعوت وجود دارد مطابقت می کنند.<sup>4</sup>

ماه نیسان، ماه خروج از مصر، زمانی که خداوند به ایسرائل ظاهر شد می باشد. آنها از مصر فرار کردند، فرار به معنای واقعی کلمه و فرار به صورت سمبولیک، فرار از درک دنیا. آنها صرفاً از الهام الهی پر شده بودند. نوع درک آنها از وحدت، حاصل انکار جهان بود. برای آنها خداوند یگانه بود به خاطر آن که تنها فقط یک چیز را می شناختند و به خاطر آن که جهان موجودیت خودش را در مقابل چشمان آنها متوقف کرده بود.

ماه ایپار، دومین ماه تماماً مربوط به شمارش عومر می باشد و ماهی که ما خودمان را برای واقعه سینای، شاووعوت آماده می کنیم. ما نسبت به موجودیت خودمان و جهانی که در آن زندگی می کنیم به عنوان چیزی جدا از خداوند که می بایست سرکوب بشود، آگاهی داریم. همچون ارابه و ارابه ران، خداوند و جهان یکی هستند ولی دو چیز.

ماه سیوان، سومین ماه، زمانی است که توراه داده شد. زمانی که خداوند و جهان یکی می شوند و این لحظه وحدت خالص و واقعی است. زمانی که آنچه که به نظر دو چیز می آمدند، پدیده سومی را به وجود می آورند که شامل آنها و بالاتر از هر دوی آنهاست.

### ۴ - بالا و پائین

و این است علت اینکه چرا توراه در سومین ماه به ملت ایسرائل اهداء شد. به

---

۴- همان مرجع صفحه ۲۰۰

## Aish Tamid Shavuot, 5784

خاطر آن که از طریق انجام میصوت و فرمان های الهی، ما منیت های خودمان را محو می کنیم ولی ما هنوز با خداوند یکی نیستیم. وحدت نهایی تنها از طریق مطالعه توراہ زمانی که عقل انسانی و خواسته الهی با یکدیگر ترکیب میشوند<sup>5</sup>، کسب میشود. این دو به پدیده ای تبدیل میشوند که وحدت کاملی را ایجاد می کند.

به همین علت بود که مُشه توراہ را در محل سینای از خداوند دریافت کرد. ربانیم می گویند سینای برای اهداء توراہ انتخاب شد چرا که در میان کوه ها، پائین ترین ها (یعنی متواضع ترین ها) بود. اما اگر مناسب ترین محل برای اهداء توراہ، پائین ترین ها می باشد پس چرا توراہ در دشت ها و یا دره ها به اسرائیل ها داده نشد؟ به خاطر آن که سینای نماینده و نشانگر برخورد و ترکیب دو تضاد است. بالاترین ها و پائین ترین ها، خدا و انسان. و این است اهمیت توراہ.

(منبع لیکوتی سیحوت جلد دوم، صفحه ۳۰۱ الی ۳۰۳)

(Source: Likkutei Sichot,  
Vol. 2, pp. 301-303)

## شاووعوت (۲)

علاوه بر ظهور خداوند در بیابان، دو واقعه دیگر نیز در دو زمان متفاوت یعنی مرگ دو تن از بزرگ ترین شخصیت های تاریخ مذهبی ما در شاووعوت اتفاق افتاده است. مصادف شدن این دو واقعه با شاووعوت به ما یادآوری می کند که الهامات الهی پدیده هایی نیستند که فقط یک بار اتفاق بیافتند بلکه یک پروسه ادامه دار می باشند و این که واقعه سینای برای ایسرائل ها همچون نقطه اوجی است که از آن نقطه ما سعی می کنیم که به پیشرفت های معنوی بیشتری دست بیابیم. این دو شخصیت همچون دو پدیده کلیدی برای پیشرفت معنوی ما هستند و به همین دلیل دارای رابطه بخصوصی با یکدیگر میباشند.

### ۱- سه واقعه

واقعه اصلی که شاووعوت یادآورنده آن است همانگونه که در تفیلا و قیدوش شاووعوت عنوان می کنیم «زمان اهداء تورا» می باشد. روزی که وحی و الهام الهی بر تمامی قوم ایسرائل در سینای ظاهر شد. چندین نسل بعد واقعه دیگری در یک چنین روزی اتفاق افتاد: مرگ داوید هَمَلَخ<sup>۶</sup> و در زمینه تاریخ معاصر واقعه دیگری در همین روز اتفاق افتاد، مرگ بَعْل شمطوو بنیانگذار نهضت حاسیدوت. از نقطه نظر الهی رخ دادن این سه اتفاق بزرگ در یک روز، شاووعوت، تصادفی نمی باشد. بلکه علامتی است از یک ارتباط درونی مابین آنها. به این معنا که واقعه شاووعوت آشکار شدن صدای خداوند در سینای، باعث شد که این صدا به وسیله داوید هملخ و بعل شمطوو گسترش بیشتری بیابد. آنها سه نقطه اوج را در این بازگشایی دائمی الهام الهی نشان می دهند.

۶- تلمود یروشلمی - خگیگا ۳، ۲

## ۲- ملاقات زمین و آسمان

در میدراش<sup>۷</sup> از نوع تازه ای از وضعیت جهان که به وسیله اهداء تورا ایجاد شد سخن گفته شده است و از قول داوید هَمَلِخ می گوید که با وجود آن که خداوند متبارک فرمان داده است که آسمان ها، آسمان های خداوند هستند ولی زمین را خداوند به انسان داده است... زمانی که خداوند اراده کرد که تورا را به بنی اسرائیل بدهد، این فرمان اولیه را ملغی کرد و گفت که دنیاها پائین می توانند به مراتب بالاتری برسند و دنیاها بالا می توانند پائین بیایند. و من خود اولین قدم را در انجام این مطلب برمیدارم. همانگونه که در تورا گفته شده است<sup>۸</sup>: «و خداوند درکوه سینای فرود آمد». و بعد از آن آمده است که<sup>۹</sup>: «خداوند به مُشه گفت که به سوی خداوند بالا بیا».

## ۳- پائین آمدن خداوند

آنچه که در سینای تازگی داشت فرود آمدن (نزول الوهیت) خداوند به جهان پائین ما بود. اگر چه قبلاً وحی الهی و نبوت به وجود آمده بود و بخصوص پدران ما دارای نبوت بودند ولی این نوع نبوت آنها، نوعی تجربه روحانی بود که وارد ذات این جهان مادی نمیشد و به روی آن تأثیری نداشت. اما زمانی که خداوند بر کوه سینای نازل شد، تأثیرات آن در درون جهان احساس شد. در آن لحظه بر طبق آنچه که میدراش می گوید<sup>۱۰</sup>: «هیچ پرنده ای آواز نمی خواند و هیچ پرنده ای پرواز نمی کرد» و صدایی که از طرف خداوند می آمد انعکاس نداشت به خاطر آن که همه آن صدا به وسیله بافت و تار و پود دنیای مادی جذب می شد<sup>۱۱</sup>. تورا دیگر در آسمان ها نبود<sup>۱۲</sup>. کلام خداوند

۷- شמות ربا ۱۲ ، ۳

۸- شמות ۱۹ ، ۲۰

۹- همان مرجع ۲۴ - ۱

۱۰- شמות ربا پایان فصل ۲۹

۱۱- لیکوتی سیخوت جلد چهارم فصل ۱۰۹۵

۱۲- رجوع شود به شبات ۸۹ ، الف



## Aish Tamid Shavuot, 5784

به زمین نازل شده بود. تنها بعد از آن، عمل مقدس کردن، بهتر کردن و بالا بردن جهان به مراتب معنوی آغاز شد. و این همان عبادت ایسرائل ها است که جهان را به ظرفی تبدیل می کند که گیرنده و کسب کننده معنویت الهی است. امکان انجام و رسیدن به چنین مرحله ای در سینای ایجاد شد و به عمل درآمدنش از آن پس آغاز شد.

درست همانگونه که شناخت خداوند به وسیله اوراهام آغاز شد و به وسیله مُشه ادامه یافت. رسیدن و ارتقاء دنیای مادی به مراحل و مراتب معنوی و به سوی خداوند بعد از اهداء تورا در سینای آغاز شد و در زمان داوید و سلیمان به نقطه اوج خود رسید. کسانی که با ساختن بیت همیقداش، ایسرائل ها را در مراحل رسیدنشان (معراج) به اوج معنویت مراحل تازه ای را برای آنها گشودند.

### ۴- عروج انسان

با ظهور داوید هملخ دو پدیده تازه در تاریخ قوم ایسرائل ایجاد شد. اول آنکه، او اولین پادشاهی بود که بر تمامی قوم ایسرائل حکومت می کرد (برخلاف شائول که بر طبق گفته میدراش، بر طایفه یهودا حکومت و تسلطی نداشت<sup>13</sup>) و حکومت خانواده او موروثی بود. «سلطنت هرگز از خاندان داوود قطع نگردد»<sup>14</sup>

دوم آنکه اگرچه بیت همیقداش به وسیله سلیمان ساخته شد بلکه طرح آن و زمینه های ساخت آن به وسیله داوید هملخ<sup>15</sup> آماده شد. تا آنجا که آن به نام داوید خوانده شده است<sup>16</sup>.

هم مقام پادشاهی و هم بیت همیقداش هر دو نشانه هایی از طبیعت و ذات دست آوردهای داوید می باشند یعنی عروج جهان و انسان.

۱۳- بمیدبار ربا فصل چهار

۱۴- رمبام هیلخوت ملاخیم ۷،۱

۱۵- تاریخ ایام اول ۲،۲۹

۱۶- تنخوما ناسو ۱۳، راشی بمیدبار ۱،۷

## ۵- سلطنت

پیوندی که مابین پادشاه و مردمش وجود دارد پیوندیست عمیق تر و متفاوت تر از آنچه که مابین یک شاگرد و معلمش موجود است. یک شاگرد بیشتر آنچه که به دست آورده است را مدیون استادش است ولی او در خارج کلاس زندگی خودش را دارد ولی یک پادشاه بر تمامی جنبه های زندگی مردمانش تأثیر و نفوذ دارد. به همین خاطر است که اگر فرد اسرائیل از فرمان پادشاه سرپیچی کند مجازاتش مرگ است<sup>17</sup>. حتی اگر چه آن سرپیچی در زمینه هایی باشد که خارج از حوزه حاکمیت پادشاه است. برای مثال اگر پادشاه فرمان بدهد که: «به این محل و یا آن محل برو» و یا «خانه ات را ترک نکن» علت آن است که سلطنت، پدیده ای مطلق و حوزه نفوذ آن بدون حد و مرز است و تمامی جنبه های زندگی مردم را در بر می گیرد. و این البته نوع خاصی از سلطنت می باشد. برای آن که مردم به طور مطلق تابع پادشاه باشند، پادشاه نیز باید به صورت مطلق تابع خداوند و پادشاه پادشاهان باشد<sup>18</sup>. به این ترتیب از طریق واسطه سلطنت، قوم اسرائیل تابع مطلق خداوند می باشند. خداوندی که به همه جنبه های زندگی ما حاکمیت کامل دارد.

به این ترتیب ما می توانیم تفاوت مابین قبول تورا در سینای و اطاعت از خداوند را که در ایده سلطنت که داوید آن را بنیان گذاشت مشاهده کنیم. آن الهام الهی که در سینای ایجاد و به وسیله خداوند آغاز شد: «من آن را شروع می کنم» و نه از درون قلب مردم. پس بنابراین بر تمامی موجودیت آنها به طور مطلق تأثیری نداشت. اما پدیده سلطنت از درون مردم و از خواست مردم سرچشمه گرفت. اطاعت آنها منبع و اساس قدرت پادشاه بود. حکومت داوید پدیده تازه ای را مشخص می کند. حکومتی مطلق که مردم از درون خود و داوطلبانه بر خود می پذیرند.

۱۷- رمبام هیلخوت ملاحظیم ۳، ۸

۱۸- درخ میصوتخا، میتوخ میدوی منخ

## ۶- بیت همیقداش

همان ایدۀ عروج انسان و جهان، در بیت همیقداش که دست آورد دیگری از داوید می باشد هم دیده می شود. مابین بیت همیقداش و میشکانی که اسرائیل ها در بیابان حمل می کردند تفاوت هایی وجود داشت. زمین و محل هایی که میشکان در آنجا برپا می شد هرگز برای همیشه مقدس نمی شدند. زمانی که میشکان به محل دیگری منتقل میشد، تقدس آن نیز به محل جدید منتقل می یافت. اما زمینی که در آن بیت همیقداش ساخته شد، حتی زمانی که ساختمان بیت همیقداش خراب و نابود شد به عنوان زمینی مقدس باقی ماند. هم میشکان و هم بیت همیقداش محل حضور خداوند بودند ولی فقط در بیت همیقداش این حضور الهی برای همیشه و به صورت دائم آن، زمین را مقدس میکرد.

## ۷- بَعْل شَمطوو

این دو حرکت، حرکت خداوند به سوی انسان، و حرکت انسان به سوی خداوند در زمان ماشیح زمانی که وحدت الهی همه جا را فرامی گیرد به یک حرکت تبدیل می شوند. در واقع از زمان اهداء تورا، ایجاد این وحدت امکان پذیر شد. به خاطر آن که فرمانی که زمین و آسمان را از هم جدا می کرد، ملغی شد.

اما انگیزه بزرگی که دوران ماشیح را فراهم می کند و باعث ایجاد این وحدت میشود، همانا تعالیم بعل شمطوو می باشد. او و فلسفۀ حاسیدوت که از تعالیم او نتیجه شده به ما یاد می دهد که جهان را پر از نور الهی ببینیم و درک کنیم که این کلام خداوند است که باعث بقاء جهان می باشد. از طریق او ما یاد می گیریم که خداوند را در جهان مشاهده کنیم<sup>19</sup>. و از طریق تورا که نمایانگر وحی الهی است بَعْل شَمطوو جهان را به مراتب بالاتری ارتقاء

---

۱۹- رجوع شود به تنبیا بخش دوم فصل اول

**Aish Tamid**  
**Shavuot, 5784**

داد.

و به همین ترتیب دوران ماشیح به وسیله گسترش دادن تعالیم بَعَل شِمْطוּוּ  
فراهم می شود. ماشیح همچون داوید در توره و با توره زندگی خواهد  
کرد<sup>20</sup>.

(Source: Likkutei Sichot,

Vol. 8, pp. 21-28) (منبع لیکوتی سیخوت، جلد هشتم صفحات ۸ و ۲۱)

۲۰- ربمא هیלחות מלחیم پایان فصل ۱۱

**JEWISH CHILDREN:**  
**Get your own letter**  
**in a Sefer Torah!**  
<http://www.kidstorah.org>

This week's issue is sponsored in part by:

**B”H**

**YOSEF Y. SHAGALOV**  
**Traveling Notary Public & Home Signing Agent**  
*Member: National Notary Association*  
Cell Phone: (323) 934-7095 • Fax: (323) 934-7092  
E-mail: [yys770@aol.com](mailto:yys770@aol.com)

“For All Your Notary Needs - At **Your** Location”

Reprinted with permission by:

CPY

**Chabad Persian Youth**

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: [cpycenter@sbcglobal.net](mailto:cpycenter@sbcglobal.net)

**Rabbi Hertzal Peer, Executive Director**

&

**Moshiach Awareness Center,**

a Project of:

**Enlightenment For The Blind, Inc.**

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 \* Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: [yys@torah4blind.org](mailto:yys@torah4blind.org)

**Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director**

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF  
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>